

پوشش زن در ایران باستان

مهدی زمانی¹

چکیده

این مقاله با عنوان «پوشش زن در ایران باستان» سعی در بررسی سیر تحول پوشش زن در ایران باستان دارد. آنچه در خواهیم یافت این است که در دوره ماد، هخامنشی و اشکانی یکسانی خاصی در پوشش زنان مشاهده می‌شود؛ به طوری که نوع پوشش مادها در پوشش چین‌دار هخامنشیان بروز کرده بود و سپس پوشش زنان اشکانی تحت تأثیر سنن هلنیستی و هخامنشی شکل تازه‌ای به خود گرفت. اما در دوره ساسانی، این پوشش در طرح‌های متنوعی شکل گرفت و در طراحی لباس، تأثیر هنر یونان پایان پذیرفته و بازگشت به عصر هخامنشی احیاء شده بود.

واژگان کلیدی: پوشش، مادها، هخامنشی، اشکانیان، ساسانیان.

Women clothes in the ancient Iran

Mehdi Zamani²

Abstract

This paper is aimed to deal with the developments of Women clothes in the ancient Iran. As a final conclusion, we will find out that we are encounter with some similar clothes in Medes, Achamenids and the Partids eras. The Madi clothes had a great influence in the wrinkling aechemanid clothes and analogically the Partian clothes were influenced by the Achamenid and Hellenic ones. By many new designs, the Sassanid fashion made a finishing point to the Hellenic influence and was a revival of the Sassanid fashion.

Keywords: cloth, the Medes, the Achaemenid, the Parthian, the Sassanid.

1. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شهید بهشتی.

2. MA of History of Islam at Shahid Beheshti University. Email: mehdizamani12@gmail.com

مقدمه

انگیزه پدید آوردن پوشاک و تهیه جامه، ناشی از نیاز آدمی به دفاع از بدن خود در برابر عوارض طبیعی به‌ویژه سرما و گرما بوده است. اما همان‌گونه که هر وسیله‌ی زندگی هنگامی که پا را از دایره‌ی رفع نیازهای ابتدایی و اولیه بیرون نهاد، حالت تفنن به خود می‌گیرد و در طول زمان از شکل اولیه و صورت ساده‌ی خود بیرون می‌آید و وسیله‌ی هنرنمایی و ابراز سلیقه می‌گردد؛ تن‌پوشی انسان‌ها نیز در سرگذشت خود به مقتضای اقلیم زیست، میزان درجه‌ی تمدن و فرهنگ، عقاید مذهبی و آداب و رسوم، دست‌خوش دگرگونی‌های بی‌شمار و شگفت‌انگیزی شده است که عوامل اجتماعی، اقتصادی، ارتباطی، به‌ویژه سلیقه و ابتکار پوشندگان در تکامل و تنوع آن سهم به‌سزایی داشته است. در این‌که انسان چه زمانی اقدام به پوشیدن لباس کرد اطلاعی در دست نیست، اما تا این اندازه می‌توان گفت که عمر این دستاورد اولیه انسان، هزاران و شاید صدها هزار سال قدمت دارد و در طول این مدت انسان این پوشش را به اشکال گوناگون بافته و از آن استفاده کرده است.

پوشش در دوره ماد

نخستین منطقه‌ای که مادها بدان‌جا پای نهادند قسمت غربی ایران بود که ماد آتروپاتن خوانده می‌شد و از رود ارس در شمال تا کوه الوند در جنوب امتداد داشت. در قسمت غربی ماد آتروپاتن نیز نوار پهنی که شامل رشته جبال زاگرس می‌شد، قرار داشت. در این قسمت از جبال و کمی پایین‌تر از خط برف‌های دائمی، مراتع کوهستانی قرار داشت که از روزگار کهن ساکنان آن مناطق و به‌ویژه اتحادیه قبایل ماد در آن به دامداری مشغول بودند و به‌ویژه پرورش اسب، دام‌های بزرگ شاخ‌دار و گوسفند برایشان اهمیت ویژه‌ای داشت.³ طبیعی است که در مناطق کوهستانی به دلیل غلبه‌ی هوای سرد، نیاز به استفاده از تن‌پوش گرم بود. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که اولین پوششی که مادها برای خود تهیه کردند، از پشم یا پوست دام‌های خود تأمین می‌شد.⁴ این قوم با سابقه‌ی طولانی در امر گله‌داری و دام‌پروری با مقدمات و ساده‌ترین نوع رسیدن نخ از پشم و به‌کار بردن دوک‌های سنگی بود آشنا شده بودند. چنان‌چه کشف دوک‌های سنگی در حفاری‌های مناطق مختلف و هم‌چنین پوشش تن بر نقش برجسته‌ی آشور و سایر نقوش کشف شده گواه بر این مدعاست. از جمله این شواهد می‌توان به نقش برجسته‌ی آشوری اشاره کرد که مادها را به تصویر

3. ا.م. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345)، ص 80 - 79.

4. ا. عبداللهی، «پوشاک بارزترین نشانه فرهنگی»، نشریه/ایران، بی‌دوره، (مرداد 81)، ص 1.

کشیده است. در این نقش برجسته مادها علاوه بر پیراهن پشمی و آستین کوتاهی که بر تن دارند، پوستینی نیز روی شانه افکنده‌اند که بدون آستین بود و بلندای آن تا پشت زانوها می‌رسید و روی شانه‌ها و بازوان را پوشانده است.⁵ احتمالاً ساکنان جبال غربی ماد در انتخاب این نوع پوشش به دلیل نزدیکی‌شان به حوزه‌ی بین‌النهرین از رسوم بابلیان تقلید کرده‌اند، به طوری که نمونه آن را می‌توان در لوح نارام‌سین (2218 - 2254 پ.م) پادشاه اکدی مشاهده کرد. این پوشش در هزاره‌ی اول پیش از میلاد در میان مردم ماننا، ماد غربی، کاسپیان معمول بود.⁶

ساکنان نواحی شرقی جبال ماد از نوع لباس اقوام لولوبی الهام می‌گرفتند.⁷ نقش برجسته سر پل ذهاب مربوط به حدود سه هزار سال قبل از میلاد، نوعی پوشش را نشان می‌دهد که بر تن الهه اینانا و آنوبانی‌نی مشاهده می‌شود. آنوبانی‌نی کلاهی مدور بر سر گذاشته و دامنی از نوع پشمین و پرزدار و پیراهنی شرایه دار بر تن که تا روی پاهای وی را پوشانده است. این لباس بدون آستین و دارای یقه‌ای گرد و بسته بود.⁸ آشکار می‌شود که مادها در انتخاب و تهیه نوع لباس خود از لولوبیان و بابلیان الهام می‌گرفتند و نگاه ما به نقوش تخت جمشید این را در می‌یابد که نوع دیگری هم از پوشش در میان مادی‌ها وجود داشته است با آستین‌های گشاد که به صورت پیلی‌های منظم در پشت بازو قرار می‌گرفتند و دامن لباس در جلوی شکم یا در پهلوها چین می‌خورد که شبیه لباس مصریان بود. در زیر این لباس، پیراهن، شلوار زیر و جوراب استفاده می‌شد و این اولین نمونه دوخت لباس زیر در تاریخ ایران است.

این پوشش مادی ابتدا از پشم بود ولی بعدها با الهام از اقوام دیگر مثل عیلامی‌ها، پیراهن‌هایی از کتان و ابریشم تهیه می‌شد.⁹ این لباس را باشلقی که بر سر می‌کشیدند تکمیل می‌کرد و ظاهراً اصل این لباس متعلق به سواران آریزانتی، دسته‌ای از آریایی‌های اصیل ساکن شرق جبال بود و ساکنان غربی و مرکزی در نیمه اول هزاره‌ی اول پیش از میلاد از آن استفاده نمی‌کردند. ولی در نواحی شرقی رایج بود و این را از یک مهر قدیمی ماد که از مدفن B تپه سیلک

5. دیاکونوف، ص 102.

6. همان، ص 103 - 102.

7. جلیل ضیاء پور، «بررسی مدارک مربوط به پوشاک ایرانیان و رسیدگی به نوشته‌ها و نظریات شرق شناسان در این باره»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، ش 65 (اسفند 46)، ص 12 - 11.

8. رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، ج 6 (تهران: علمی و فرهنگی، 1366)، ص 33 - 31.

9. روت ترنر ویل کاکس، تاریخ لباس، ترجمه شیرین بزرگمهر، ج 1 (بی‌جا: توس، 1372)، ص 53.

به دست آمده می‌توان دریافت. بر روی این مهر سواری با شلوار مادی منقوش شده است¹⁰ و در قرن 7 پ.م همزمان با رواج کیش زردشت به نواحی غربی راه یافت و در سراسر خاک ماد گسترش یافت.¹¹

اما نوع دیگری از لباس مادی از چرم و مخصوص سوارکاران بوده که مورخان از این نوع به عنوان لباس اصیل ایرانی یاد کرده‌اند. در این نوع پوشش مادها یک کلاه گرد نمدی مایل به جلو با دنباله‌ی آویزان روی سر قرار می‌دادند، یک پیراهن چرمی تنگ و بلند که بالای زانوان می‌رسید، بر تن می‌کردند و گاهی بر روی این پیراهن یک بالا پوش می‌پوشیدند. این لباس همراه با کفش بنددار با نوک برجسته نشان داده شده است. جزئیات لباس اخیر مادی از این رو حائز اهمیت است که در دوران پارسیان، کوروش برای حل مشکل نارسایی و محدودیت‌های لباس چین‌دار پارسی، این نوع لباس مادی را اقتباس کرد.¹²

پوشش زنان مادی

لباس مردان و زنان مادی یکسان بوده و تفاوت چندانی با هم نداشت. آریایی‌ها در بدو ورود به فلات ایران اقوامی دام‌پرور و کوچ‌نشین بودند، که در نواحی غربی ایران (آذربایجان) سکونت گزیدند و با توجه به کوهستانی بودن منطقه، استفاده از پوشش خاصی را که مخصوص این‌گونه شرایط آب و هوایی ایجاب می‌کرده است و شامل یک پیراهن که روی زانو، پوستین بر روی شانه، کفش ساق‌دار و بلند، نواری به دور پیشانی بوده است استفاده می‌کردند. هرچند نمونه‌ای از پوشش پوستین بر تن زنان مادی به دست نیامده، لیکن با بررسی نقش برجسته‌های متعلق به اقوام مجاور مادی از جمله نقش ایزدبانو اینانا در سر پل ذهاب می‌توان این پیش‌بینی را کرد که زنان مادی نیز از پوشش پوستین استفاده کرده‌اند.

مادها با فشار اقوام شمال محل سکونت خود را ترک کرده به سمت نواحی جنوبی حرکت و در حوالی همدان اقامت گزیدند و به طبع پوشش آنها متناسب با شرایط آب و هوایی و وضعیت معیشتی دگرگون شد. پوشش جدید آنها عبایی بود از پیراهنی تنگ با آستین‌های بلند که ته پیراهن تا روی

10. جلیل ضیاء پور، «گزارشی از چگونگی و چند و چونی تزئین پوشاک در زمان مادها»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، ش 67 و

68 (اردیبهشت و خرداد 1347)، ص 43 - 35.

11. دیاکونوف، ص 449.

12. یحیی ذکاء، «جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، ش 15 (دی 1342)، ص 8 - 7.

زانوان می‌رسید و کمربندی نیز به دور کمر بسته می‌شد. شلوار گشادی با دمپایی جمع، کفش که خاص سرزمین‌های دشت و هموار بوده است، کلاه نمدی برای پوشش سر و بالا پوش بر روی پیراهن که بلندی آن گاهی اوقات تا قوزک پا می‌رسید.¹³

انواع مختلف پوشش زنان مادی

با توجه به منابع و مدارک محدود، پوشش زنان مادی را می‌توان در سه طبقه‌ی اشراف، نیایش‌گران و زنان عادی تقسیم‌بندی کرد. زنان اشراف که وابسته به طبقات بالای جامعه بودند از نوعی لباس چین‌دار با شال تزئینی استفاده می‌کردند که این طرح لباس عبارت بود از پیراهنی بلند که تا روی پاها کشیده می‌شد و دو قطعه‌ی پارچه‌ی شال مانند به‌صورت آستین‌های باز و بدون درز در سر شانه قرار می‌گرفت. در حفاری‌های ناحیه ارزنجان ترکیه جعبه‌ای استوانه‌ای از جنس نقره کشف شده که شبیه گلدان و تاریخ آن به حدود 500 پ.م می‌رسد و اکنون در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود.¹⁴ نقش روی جعبه یک زوج ایرانی وابسته به طبقات اشراف را به تصویر می‌کشید که لباس مرد عبارت بود از پیراهن تا روی زانو که در زیر بالاپوش مخفی مانده است و شلواری تقریباً گشاد و چین‌دار با دمپایی جمع و با کفش که مخصوص مناطق دشتی و هموار است و بالا پوش پایین‌تر از زانوان کشیده شده است، کلاهی روسری مانند با انتهای گره خورده که قسمت‌های از آن نیز به پشت سر افتاده است، روی سر فرد دیده می‌شود.¹⁵ لباس زن در این نقش برجسته، عبارت از پیراهنی بلند و بدون آستین که روی پاها را پوشانده است. قسمت بالا تنه و دامن پیراهن دو تکه بوده و بعد به یکدیگر متصل شده است. بالا تنه به صورت یقه‌ای نیم‌گرد و به‌صورت تنگ تا کمر امتداد یافته است. دامن به شکل استوانه‌ای با چین‌های موازی و تا حدی مورب طرح‌ریزی شده است. چین‌های مزبور در زیر نواری پهن از جنس همان پارچه که از بالا تا پایین دامن کشیده شده مخفی شده‌اند. این زن منقوش فاقد پوشش سر می‌باشد و موهایش را به صورت باز و به شکل مرتبی به عقب سر شانه کرده است.

13. ضیاءپور، «بررسی مدارک مربوط به پوشاک ایرانیان و رسیدگی به نوشته‌ها و نظریات شرق شناسان در این باره»، ص 18-17.

14. بنفشه حجازی، زن به ظن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان، ج 1 (تهران: نشر شهراب، 1370)، ص 115.

15. ایدت پرادا، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده (تهران: دانشگاه تهران، 1357)، ص 194.

زنان نیایشگر دارای پوششی ساده و کوتاه بودند که یادآور لباس مادی‌های منقوش در تخت جمشید است. طرح آن از پیراهنی کوتاه و ساده تشکیل می‌شده است. نقش برجسته‌ی کورانگون در اطراف شهر کازرون¹⁶ که قدمت آن به اواخر هزاره سوم پ.م می‌رسد و در سال 1924م توسط هرتسفلد کشف شد،¹⁷ این پوشش را توضیح می‌دهد.¹⁸ در فضای کناری که تصویر نیایش‌گران اطراف ایزدان به‌طور کامل ترسیم شده‌اند، زنانی هستند که لباس بلندی بر تن دارند و کلاهشان با سرپوش مردان تفاوت دارد. بنابراین پوشش نیایش‌گران شامل پیراهنی است آستین کوتاه که بلندی آن تا کمی بالاتر از زانوان را پوشانده است و کمربندی نیز به دور کمر بسته شده است. به نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذاشته‌اند که از زیر آن گیسوانشان نمایان است.¹⁹

زنان عادی، گروه سوم در طبقه‌بندی زنان مادی هستند که هر چند این عنوان به تنهایی ملاک طبقه‌بندی زنان نیست ولی صرفاً برای این که در این تقسیم‌بندی بررسی پوشاک زنان طبقات مختلف سیر منظمی را دنبال کند این تقسیم بندی ارائه شد. پوشش زنان عادی دوره مادی، لباسی ساده و بلند است که جزئیات آن در نقش برجسته آشوری نمایش داده شده است. این نقش برجسته افراد را در حال کوچ اجباری از محل سکونتشان نشان می‌دهد و زنان را در حال حمل کیسه‌هایی آذوقه ترسیم کرده است. علت حمل این کیسه‌ها توسط زنان این است که دست مردان به‌وسیله‌ی نوار یا قطعه طنابی بسته شده است.²⁰

پوشش زنان در این نقش برجسته عبارت است از پیراهنی بلند که تا قوزک پا امتداد یافته و پیراهن دیگری شبیه به روپوش جلو بسته روی این پیراهن پوشیده شده است. روپوش مزبور در طرفین دارای حاشیه‌های هلالی و آستین سر خود می‌باشد. بلندی این آستین تا کمی بالاتر از آرنج امتداد دارد. پیراهن رویی همانند پیراهن زیرین است با این تفاوت که پیراهن زیرین از حاشیه‌های

16. ج. کریستی ویلسون، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار (بی‌جا: فرهنگ‌سرا، 1317)، ص 52.

17. ارنست هرتسفلد، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت (بی‌جا: انجمن آثار ملی، 1356)، ص

20.

18. لویی واندن برگ، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام (تهران: دانشگاه تهران، 1348)، ص 58.

19. ارنست هرتسفلد، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، 1381)، ص 196-195.

20. حجازی، ص 71.

دالبری پایین پیراهن نمایان است. این پیراهن دارای یقه‌ای گرد و بسته می‌باشد.²¹ در این تصویر زنان در مقایسه با مردان فاقد پای‌افزار کفش می‌باشند. شاید علت نداشتن کفش به جهت نوع کار و محل اشتغال ایشان بوده است. همچنین زنان مزبور فاقد پوشش سر می‌باشند و موهای بدون چین و شکن به‌طور یک‌دست صاف بر عقب و پشت گوش شانه شده و در عقب سر به‌صورت گیس بافت در آمده است.²²

پوشش دوره پارسی‌ها (هخامنشیان)

پارسی‌ها لباس چین‌دار و تشریفاتی خود را از مادها اقتباس کردند،²³ به طوری که کوروش هخامنشی لباس اصیل مادی شامل نیم تنه، شلوارچه تنگ و چسبان، کلاهی بلند، بالاپوش آستین بلند و چکمه را برای سوار نظام پارس در نظر گرفت.²⁴ با بررسی نقوشی از تخت جمشید، فرش پازیریک و سایر آثاری که تصاویر زنان روی آن‌ها نقش شده است، یکسانی لباس زنان و مردان این دوره را آشکار می‌شود. چنانچه مورخان مختلف در قالب داستان‌ها و روایات گوناگون به یکسانی لباس زنان و مردان هخامنشی اشاره کرده‌اند. وجه اختلاف بین پوشش زنان و مردان این بود که نوعی تاجی بر سر زنان قرار می‌گرفت و پارچه‌ای نازک به عنوان چادر به آن متصل می‌گردید که دنباله‌ی چادر پشت سر آویزان می‌شد.²⁵

لباس پارسی از بالاپوش، دامن و کفش تشکیل می‌شد. در مورد بالاپوش پارسی، مورخان در مورد یک تکه یا دو تکه بودن آن اختلاف دارند. هرتسفلد معتقد است که لباس مذکور که از یک تکه متسطیل شکل ساده و از پارچه‌ای نرم تهیه می‌شد که از گردن تا قوزک پا را می‌پوشاند و عرض لباس از این میج تا میج دیگر امتداد داشت و در ناحیه‌ی بازوها گشاد و باز می‌شد. چاک‌ی نیز

21. جلیل ضیاءپور، پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی بهلولی (بی‌جا: وزارت فرهنگ و هنر، 1347)، ص 53 - 52.

22. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج 1، چ 4 (تهران: امیرکبیر، 1355)، ص 151.

23. جلیل ضیاءپور، آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا دوره صفویه (بی‌جا: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، 1353)، ص 31 - 30.

24. H.Schoppa "Die Darsteelung der perser inder,riechischeh kunst bis zumbe, inndeshellen simus" Encyclopaedia Iranica , volume lv (1991), pp.725-728.

25. سهیلا شهشهانی، تاریخچه پوشش سر در ایران، ج 1 (بی‌جا: مدبر، 1374)، ص 40.

برای عبور سر از آن وجود داشت. این تن‌پوش از دو طرف باز و با کمربند به کمر بسته می‌شد.²⁶ اما عده‌ای از مورخان بر این عقیده‌اند که لباس فوق از دو تکه که قسمت فوقانی «همانند ردا با آستین گشاد و پایین تنه‌ی آن از دامن چین‌دار [بود] تشکیل می‌شد.»²⁷

دامن جزء دیگر لباس پارسی بود که در دو طرح یک راسته و دو راسته تهیه می‌گردید. دامن یک راسته چین به شکل نیم دایره برش می‌شد و قطر پارچه در قسمت کمر قرار می‌گرفت و دو سر پارچه با یکدیگر یکسان می‌شد. سپس قطر پارچه در ناحیه‌ی کمر به حاشیه‌ی پایین بالا پوش متصل می‌گردید. آنگاه در انتهای پارچه به شکل نیم هلال به سمت جلوی بدن کشیده شده و در قسمت ناف به یکدیگر متصل می‌گردید. دامن دو راسته چین نسبت به نمونه قبل با قطری بزرگتر برش می‌خورد. در این نوع از دامن، میان دو راسته چین، چین‌های افقی گوشه دار به شکل هفت‌های پی در پی پدید می‌آمد که کوچکترین آن از زیر کمر آغاز شده و در لبه دامن به چین بزرگتری منتهی می‌شد و دنباله‌ی آخرین چین میانی نیز به شکل نیم دایره در آمده و از لبه پایین دامن آویزان می‌شد.²⁸

از اجزای دیگر پوشش زنان هخامنشی کفش بود که در دو طرح ساده و بند دار تهیه می‌شد. نوع ساده‌ی کفش همانند جورابی به پا کشیده می‌شد و پاشنه‌ی این کفش از داخل تعبیه می‌شد به گونه‌ای که فرد می‌توانست با قرار دادن چیزی در داخل آن قامت خود را بلندتر نشان دهد. کفش بند دار نوع دوم دو تکه بود پاشنه اش از داخل تعبیه و زبانه‌ای بلند در زیر کفش قرار می‌گرفت و سه بند که هریک از سوراخ مقابل خود عبور می‌کرد حاشیه‌های روی کفش را کنار یکدیگر قرار می‌داد. معمولاً این کفش‌ها در رنگ‌های زرد حنایی و ارغوانی تهیه می‌شد.²⁹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

26. O.M. Dalton "The Treasure of the oxus" Enclopaedia Iranica, volume V (1991), p. 735.

27. E. F. Schmidt "perse polis" Enclopaedia Iranica, volume V (1991), pp. 732-34.

28. یحیی ذکا، «جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، ش 18 (فروردین 1343)، ص 12-11.

29. ضیاءپور، پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، ص 79.

پوشش زنان هخامنشی

هرچند به دلیل محدودیت آثاری که نقش زن در این دوره را به تصویر کشیده‌اند، نمی‌توان تصویر روشنی از پوشاک زنان ارائه نمود، اما با توجه به آثاری که از آسیای صغیر و ایران به‌دست آمده می‌توان اطلاعاتی از وضعیت پوشش زنان هخامنشی کسب کرد. در بیشترین این آثار به‌دست آمده نقش زنان اشراف وابسته به دربار و ملکه‌ها نقش گردیده است اما در آثار محدودی نیز نقش خدمه‌ها معمولاً پشت سر زنان مذکور مشاهده می‌شود. نقش آثار به‌دست آمده این است که از وضعیت پوشش طبقات پایین جامعه به دلیل فقدان مدارک اطلاعاتی کسب نمی‌شود. با توجه به اینکه در دوره هخامنشیان حکومت شاهنشاهی حکمفرما بود و ملکه به همراه شاه در رأس هرم طبقات اجتماعی قرار داشتند، از این رو بیشتر آثاری که نقش زنان را در این دوره می‌نمایند متعلق به ملکه‌هاست.

نخستین نمونه لباس یا پوشش ملکه‌ها، لباسی چین‌دار با یک چادر تزئینی کوتاه است که همان خصوصیات کلی لباس چین‌دار پارسیان را داراست. اثری که این نمونه را معرفی می‌کند، مهر استوانه‌ای است که از جنس سنگ یمانی بوده و متعلق به سده‌ی 5 ق. م می‌باشد. ابعاد این مهر 1/1 در 3/2 سانتی متر می‌باشد. محل کشف این مهر نامعلوم است.³⁰ در این تصویر ملکه تاجی کنگره دار بر سر نهاده و از روی آن یک چادر کوتاه حاشیه دوزی شده تا کمر وی را پوشانده سر کرده است و حاشیه این چادر با نقوش هندسی از نوع مورب کوتاه تزئین شده است. دومین شکل لباس ملکه‌ها، لباس تزئینی چین‌دار با یک چادر تزئینی کوتاه است. در تصاویری که به‌دست آمده، ملکه‌ها با لباس بلند و مزینی ملبس شده‌اند. بلندی این لباس کمی بالاتر از مچ پا را فرا گرفته است، آستین لباس بلند و گشاد طراحی شده و نوار پهنی که روی آن نقوش تزئینی دیده می‌شود سراسر بالا تنه و دامن لباس را فرا گرفته است. این نقوش در قسمت بالا تنه به صورت زیگزاگ و دایره‌ی تو در تو نشان داده شده است. چادری که پشت تاج کنگره دار ملکه‌ها متصل شده است، رو باز بوده و به شکل هلال و گرد طراحی شده و قد آن تا امتداد زانو کشیده شده است. اثری که برای بازشناسی این لباس بسیار جالب توجه است، فرش پازیریک است که در آن نقش مزبور پیکر بانوان با رنگ سفید، چشم‌ها با رنگ قهوه‌ای و موها با رنگ آبی نمایش داده شده است.³¹

30. ماریا بروسیوس، زنان هخامنشی، ترجمه‌هایده مشایخ (بی‌جا: هرمس، 1381)، ص 129.

31. علی سامی، تمدن هخامنشی (شیراز: چاپخانه موسوی، 1341)، ص 261.

نوع سوم، لباس چین‌دار بدون چادر است که لباسی است چین‌دار متشکل از دو راسته چین‌دار که روی آن چادر قرار نمی‌گیرد. نمونه نشان دهنده این نوع پوشش، مهر استوانه‌ای است که قبلاً در لباس چین‌دار با چادر کوتاه توضیح داده شد. ملکه تاجی کنگره دار بر سر نهاده است، موهای بلند وی از زیر تاج نمایان است و پشت سرش ریخته است. وی کفشی پاشنه‌دار و نوک تیز در پا دارد.³²

لباس چین‌دار و تزئینی بدون چادر نوع دیگر از لباس ملکه‌ها بوده که برای بررسی این نوع پوشش، بار دیگر به نقوش فرش پازیریک استناد می‌شود. این لباس بر تن دو ملکه کوچک‌تر از ملکه‌های جلویی تصویر شده که این امر نشان از مقام و مرتبه‌ی پایین آن‌هاست. لباس ایشان شامل لباسی بلند و چین‌دار است که تا میچ پاهای ایشان امتداد یافته و نقوش تزئینی روی آن دیده می‌شود. اما چادری روی تاج ایشان دیده نمی‌شود. البته این دو زن را از سویی نمی‌توان ملکه خواند بلکه از آن‌جایی که امور مربوط به خدمه‌ها را انجام می‌دهند می‌توان ایشان را جز دسته خدمه قرار داد.³³

لباس ساده با چادر ساده و بلند، پنجمین نوع پوشش ملکه‌ها می‌باشد که تا قوزک پا را می‌پوشانده است و روی آن چادری ساده و بلند به سر می‌کردند. معمولاً زیر چادر و روی سر کلاهی ساده یا تاج کنگره‌دار می‌گذاشتند. جزئیات این نوع لباس در نمونه زیر دیده می‌شود. نقش برجسته‌ای در سال 1970 در غرب ترکیه در تپه‌ای از دهکده ارگیلی که در دو کیلومتری دریاچه مانیاس قرار دارد، به‌دست آمده است و تاریخ آن به حدود نیمه دوم قرن پنجم می‌رسد.³⁴ این نقش برجسته به شکل مستطیل بوده و $1/22$ متر عرض و $2/30$ متر طول و 31% ضخامت داشته است و اکنون در موزه استانبول نگهداری می‌شود.³⁵ این نقش برجسته، تصویر سه زن سوار و دو مرد پیاده را نشان می‌دهد. لباس زنان در این نقش عبارت است از پیراهنی ساده و بلند که تا قوزک پا را پوشانده است. آستین‌های پیراهن کوتاه است و حاشیه دامن پیراهن در نقش زن اسب سوار اول، حالت چین‌خورده پیدا کرده است. این زنان کلاه ساده‌ای از جنس نمد یا پارچه بر سر گذاشته‌اند که گرداگرد لبه‌ی آن به‌وسیله یک روبان تزئینی مزین شده است. چادر از میان سر آغاز شده و کمی بالاتر از حاشیه‌ی پیراهن را پوشانده، به گونه‌ای که قسمتی از لباس آنها بیرون از چادر مانده است. کناره‌های چادر نیز به حالت برجسته نشان داده می‌شوند.³⁶

32. فرخ ملک‌زاده، «نقوش زن در هنر هخامنشی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س 16، ش 1 و 2 (آذر 1347)، ص 93.

33. محمدتقی مصطفوی کاشانی، گزارش‌های باستان‌شناسی، ج 3 (بی‌جا: انتشارات اداره کل باستانشناسی، 1349)، ص 35.

34. رومن گیرشمن، هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، ج 2 (بی‌جا: علمی و فرهنگی، 1366)، ص 348.

35. ملک‌زاده، ص 97.

36. همان، ص 105.

در بیشتر آثاری که در بررسی پوشاک طبقات مختلف معرفی می‌شود، علاوه بر حضور طبقات بالا و یا گروه‌هایی که وابسته به این طبقه می‌باشند، طبقه‌ای نیز وجود دارد که معمولاً امور مربوط به طبقات بالا را عهده‌دار بود. این گروه چنان‌که از بررسی آثار این دوره استنباط می‌شود، عنوان خدمه دارند که از نظر سلسله مراتب اجتماعی جزء پایین‌ترین طبقات محسوب می‌شوند. پوشش این گروه در لباسی ساده و بلند خلاصه می‌شد و کمربندی ساده نیز روی آن قرار می‌گرفت. اثری که نشان‌دهنده‌ی لباس ساده و بلند خدمه‌های هخامنشی است مربوط به سنگی است که در اواخر سال 1964م در سواحل شرقی دریاچه‌ی مانیاس و در نزدیکی دهکده‌ی ارگیلی کشف شد.³⁷ قسمت فوقانی این اثر، نقش دو خدمت‌کار را نشان می‌دهد که پشت‌سر ارابه حرکت می‌کنند. این دو به واسطه‌ی لباس ساده و بلندی که بر تن دارند، احتمالاً زن می‌باشند که این لباس بلند تا مچ پاهای ایشان را پوشانده است. در قسمت تحتانی و پشت سر ملکه نقش خدمت‌کاری دیده می‌شود که به واسطه پوشیدن لباس ساده و بلند به عنوان خدمه‌ی زن شناسایی می‌شود. همچنین شباهت زیادی از نظر نوع لباس بین خدمه‌های نقش فوقانی و تحتانی وجود دارد.³⁸ نوع پوششی که بر سر خدمه‌ها دیده می‌شود از نوع کلاه دستاری یا دستار³⁹ می‌باشد که به شکل کلاه نمدی یا پارچه‌ای بود و یک نوع روسری، دو گوشه بلند روی آن می‌بستند و این دو گوشه پس از قرار گرفتن روسری در پشت سر خدمه آویزان شده است.⁴⁰

پوشش زنان در دوره اشکانی

بسیاری از مورخان و باستان‌شناسان معتقدند نوع پوششی که زنان در آغاز کار اشکانیان مورد استفاده قرار می‌دادند به منزله‌ی ادامه‌ی پوشش هخامنشیان محسوب می‌شود.⁴¹ اما با توجه به این‌که اشکانیان به نوع پوشش و طرز آرایش خود اهمیت زیادی می‌دادند و از سویی با نفوذ سنت‌های هنری غرب نیز در ایران مواجه بودند زمینه‌های جدیدی برای هنرمندان اشکانی ایجاد شد که منجر به آشنایی ایشان با نوع جدیدی از پوشاک در این دوران گردید. بدین ترتیب هنرمندان مذکور در

37. همان، ص 109.

38. همان، ص 110.

39. (Turben) گونه‌ای روسری است که بلندی آن تا زانو می‌رسد.

40. م. پرتوی، «پژوهش در پوشاک باستانی ایرانیان»، نشریه همشهری، (79/6/8)، ص 1-10.

41. ملک‌زاده، ص 115.

طول حکومت اشکانیان شیوه‌ای پدید آوردند که سنت‌های هنری هخامنشی را در زمینه‌ی پوشاک و تزئینات آن کاملاً دگرگون ساخت.⁴²

پیراهن، چادر و کفش اجزای تشکیل دهنده‌ی پوشش دوره اشکانی بودند. پیراهن زنان اشکانی از دو تکه پارچه مستطیل شکل تشکیل می‌شد. این پیراهن از نوع آستین کوتاه، یقه راست بوده و روی پیراهن و در قسمت زیر سینه نواری بسته می‌شد که گشادی ساده و راسته پیراهن را جمع می‌کرد و باعث ایجاد چین‌های عمودی فراوان در قسمت کمر، دامن و پیراهن می‌گردید. البته این خصوصیات کلی پیراهن این دوره بوده و در نقش و آثار دیگر همین پیراهن با تفاوت‌هایی وجود دارد.⁴³ بررسی نقوش مختلف نشان می‌دهد که زنان اشکانی از پوشش چادر نیز استفاده می‌کردند. این پوشش از یک تکه پارچه‌ی مستطیل شکل تشکیل می‌شد. برای استفاده از پوشش مزبور آن را به حالت استوانه در نظر می‌گرفتند و قسمت بالای درز استوانه را در قسمت پایین شانه به زیر فلزی گرد و منقوش و یا دکمه‌ای متصل می‌کردند.⁴⁴

نمونه‌ای که نشان‌دهنده‌ی کفش زنان اشکانی است از نقاشی‌های دیواری معبد زئوس به دست آمده است. در این نقاشی یک صحنه‌ی مذهبی به تصویر کشیده شده است و دو روحانی در حال انجام مراسمی می‌باشند و در سمت چپ، نقش زنی دیده می‌شود که کفش از نوع بنددار و بدون پاشنه پوشیده است، به لحاظ برخی خصوصیات شبیه به کفش بنددار دوره‌ی هخامنشی می‌باشد. پوشش ملکه‌ها در دوره اشکانی لباسی است بدون آستین، بلند و چین‌دار که بلندای آن تا روی پاها امتداد می‌یافت. زنان ملکه از پوشش چادر استفاده نمی‌کردند، بلکه آن را به دور کمر گره می‌زدند. تنها اثری که لباس چین‌دار و بدون آستین ملکه‌ها را نشان می‌دهد، نقش ملکه‌ای است که متعلق به دوران بلاش دوم (130-148 م) می‌باشد.⁴⁵ ملکه پیراهنی از نوع یقه‌گرد و بدون آستین پوشیده است. بلندی پیراهن تا روی پاها کشیده شده و به‌منظور جمع کردن گشادی حاصل از پیراهن و چین‌دار نمودن آن، نواری زیر یقه گره خورده است. ملکه چادری بزرگ و سه گوش به دور کمر پیچیده که دو انتهای آن در قسمت جلوی بدن به یکدیگر گره خورده است. کفش نیز از نوع ساده و دو تکه در پای ملکه دیده می‌شود.

42. جلیل ضیاءپور، «هنر نقاشی و پیکره‌تراشی در ایران زمین»، ص 113.

43. حسین یآوری، «پوشاک باستانی ایرانیان»، نشریه کتاب ماه هنر، ش 17 و 18 (بی تا)، ص 10.

44. حجازی، ص 142.

45. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج 1 (تهران: امیر کبیر، 1377)، ص 300.

پوششی که زنان درباری اشکانی استفاده می‌کردند، عبارت بود از یک پیراهن آستین‌دار بلند که چین‌های عمودی سراسر دامن آن را می‌پوشاند. روی پیراهن مزبور، پیراهن بدون آستین و یقه‌ی گشاد می‌پوشیدند که اندازه آن کوتاه‌تر از پیراهن زیرین بود. چادری که مورد استفاده زنان دربار بود، روی پوشش سر از نوع کلاه و دستار قرار می‌گرفت و دنباله‌ی آن با چین‌های عمودی به سمت پایین امتداد می‌یافت. این نمونه مجسمه‌ی پرنسس واشفاری، دختر سنتروک اشکانی است که طی کاوش‌های معبدی در شهر هاترا به دست آمده است و تاریخ آن به سال 137 م می‌رسد. اثر مزبور اکنون در موزه بغداد نگهداری می‌شود.⁴⁶ پوششی که پیکره مجسمه را پوشانده است از دو پیراهن بلند و کوتاه تشکیل می‌شود و دامن پر چین و پیراهن آستین‌دار وی از زیر چادر نمایان است. پوشش سر مجسمه عبارت از کلاهی به شکل مخروط ناقص که به صورت افقی به پنج قسمت تقسیم شده است.⁴⁷

زنان طبقات مرفه

نمونه پوشش زنان این طبقه را می‌توان از پیکره‌های اشخاصی نظیر بازرگانان ثروتمند، کاهنان، مهاجران و زنان خوش‌پوش پالمیری دریافت. زنان مرفه از یک نوع لباس بلند و چین‌دار با چادر استفاده می‌کردند. این لباس از دو پیراهن بلند و کوتاه تشکیل می‌شد، با این تفاوت که پیراهن زیرین به صورت آستین کوتاه یا آستین بلند مورد استفاده قرار می‌گرفت. روی لباس مزبور چادری مستطیل شکل، مشابه چادر سایر طبقات پوشیده می‌شد. مجسمه‌ی زنی از پالمیر که روی تختی نشسته است و سایر اعضای خانواده گرداگرد وی نشسته یا ایستاده‌اند نشان‌دهنده این پوشش است. اثر مزبور به حالت سه رخ است و اکنون در موزه‌ی دمشق نگهداری می‌شود.⁴⁸ پوشش این پیکره شامل دو پیراهن زیرین (بلند و آستین کوتاه) و پیراهن روی (یقه باز) و بدون آستین می‌باشد. پوشش سر پیکره عبارت از دستاری که در قسمت جلو دارای گره‌هی به شکل مارپیچ می‌باشد و قسمت پایین دست را سربندی فلزی فرا گرفته است. چادر این پیکره متشکل از قطعه پارچه مستطیل شکلی است که به حالت استوانه درآمده و انتهای درز بالای آن در قسمت جلوی پیراهن

46. س. توحیدی، «پوشش زنان در ایران باستان»، مجله وهومن، دوره 6، ش 11 (زمستان 1376)، ص 80.

47. ابوالقاسم شیرازی، پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز، ج 1 (بی‌جا: انتشارات اوستا فراهانی، 1382)، ص 64.

48. مالکم کالج، پارتیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ج 2 (بی‌جا: سحر، 1357)، ص 139 - 138.

زیر قطعه فلز بیضوی شکلی ثابت شده است. پوشش مزبور پس از قرار گرفتن روی سر قسمتی از شانه‌ها را نیز پوشانده و انتهای دیگر آن در دست چپ جمع شده است.⁴⁹

پوشش زنان در دوره ساسانی

اطلاعات پیرامون لباس زنان ساسانی از منابعی گوناگون به دست می‌آید که می‌توان گفت مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از حجاری‌ها و نقوشی سنگی طاق بستان، موزاییک‌های بیشاپور، نقاشی‌های دیواری، نقوش روی ظروف و کوزه‌های فلزی، سکه‌ها و مهرها. نکته قابل توجه این است که در اکثر نقوش، یکسانی خاصی در نحوه‌ی پوشش دیده می‌شود و حتی بیشتر از یک یا حداکثر دو طرح در دوخت لباس استفاده نشده است.

اجزای اصلی تشکیل دهنده پوشاک زنان

پیراهن

پیراهن زنان ساسانی بلند و گشاد بود که در دو نوع آستین بلند و آستین کوتاه، یقه گرد و یقه باز تهیه می‌شد. برای چین‌دار کردن پیراهن نواری در قسمت زیر سینه می‌بستند و در انتهای دامن پارچه اضافی و پر چین دوخته می‌شد. نوع دیگری از پیراهن هم بود آستین بلند و یقه‌گرد که بلندی آن تا ساق پا می‌رسیده است. دامن این پیراهن شش چاک داشت. سه تا در جلو و سه تا در عقب قرار می‌گرفت و سراسر چاک‌های دامن نیز حاشیه دوزی می‌شد.⁵⁰

شلوار

زنان ساسانی از شلواری نظیر شلوار اشکانیان استفاده می‌کردند. با این تفاوت که ساق‌های شلوار مزبور اندکی بلند طراحی می‌شد و به‌منظور چین‌دار کردن شلوار جلوی ساق پا از نوارکشی استفاده می‌کردند و کمر و دمپای شلوار را لیفه‌ای می‌بافتند و سپس با بند جمع می‌کردند.⁵¹

49. توحیدی، ص 81.

50. م. مهرین. «پوشاک زنان ایران»، نشریه دو دنیا، بی‌دوره، ش 6 (بی‌تا)، ص 71.

51. ضیاءپور، پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی ص 125.

کفش

با توجه به بلند بودن پیراهن زنان ساسانی، در هیچ‌یک از آثار و نقوش سنگی و فلزی، طرحی از کفش زنان ارائه نشده است و ما باید به این فرضیه بسنده کنیم که چون در ادوار قبل زنان از کفش مردان استفاده می‌کردند احتمالاً در این دوره هم چنین امری صورت گرفته است. کفش مردان ساسانی به دو شکل ساق‌بلند و ساق‌کوتاه بود. اولی بلندای آن تا قوزک پا می‌رسید و از جلوی دهانه‌ی کفش تا سر پنجه نواری از چرخ دوخته می‌شد و نوع دوم ساق آن تا زانو می‌رسید و گاهی جلوی ساق، طرح‌هایی ایجاد می‌شد.

چادر

چادر از دوران پیش از پارس‌ها مورد استفاده زنان ایرانی بوده است. این پوشش در دوره‌ی ساسانی نیز به گونه‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت. به‌این‌ترتیب زنان ساسانی چادری گشاد و پرچین بر سر می‌کردند که امتداد آن تا وسط ساق پا کشیده می‌شد.⁵² ولی در این دوره نسبت به دوره‌ی هخامنشی کوتاه‌تر شد، به‌گونه‌ای که به سختی تا شانه می‌رسید و یا گاهی به صورت یقه چین خورده دور گردن زنان دیده می‌شود. پوشش زنان ساسانی را می‌توان در سه طبقه عمده الهه‌ها، ملکه‌ها و خدمه تقسیم‌بندی کرد.

الهه‌ها

در تاریخ ایران باستان و در رأس ایزد بانوان، آناهیتا قرار داشت که سراسر دوران باستان را به‌خود اختصاص داده بود. آناهیتا ایزد بانوی باروری، حاصل‌خیزی و آب و تجلی بخشی ایزد بانوی مادر عهد کهن، بر زنان ایران باستان فرمانروایی الهی داشت و آنان را به زیبایی و آراستگی صورت و سیرت، باروری و نگهداری خانواده و کوشش در راه حاصل‌خیزی راهنمایی می‌کرد.⁵³ بررسی آثار و نقش برجسته‌هایی که معرف نقش آناهیتا است، نشان می‌دهد که آناهیتا از دو نوع پوشش استفاده می‌کرده است. این پوشش‌ها را می‌توان در دو دسته مجزا تقسیم‌بندی کرد:

52. م. هوتسون، «لباس در ایران باستان»، ترجمه شمینه پیر ظر، مجله سخن، دوره 11، ش 5 (شهریور 1339)، ص 524.
53. شیرین بیانی، «آناهیتا و آتوسا دو بانوی آسمانی و زمین ایران باستان»، فصلنامه هستی، بی‌دوره، ش 8 و 9 (زمستان 80، بهار 81)، ص 82.

1. لباس بلند و چین‌دار با رودوشی کوتاه که جزئیات این پوشش را می‌توان در نقش تاج‌گذاری نرسی (302 - 293م) هشتمین شاه ساسانی که در قسمت کوهی در محل نقش رستم حجاری شده است دید. در این نقش برجسته، نرسی حلقه شهریاری را از مظهر آناهیتا دریافت می‌کند.⁵⁴

2. در این نقش، آناهیتا ملبس به تونیکی (دامن شال‌دار) آستین‌دار و بسیار نازک است که توسط روبانی در کمر بسته شده است. بلندی تونیک تا روی زمین کشیده شده و چین‌های موازی و عمودی سراسر دامن پیراهن را پوشانده است. الهه بالاپوش کوتاه و تنگی روی تونیک مزبور پوشیده و دو انتهای بالاپوش در محاذی سینه توسط سگکی مرکب از دو حلقه و روبان‌های چین‌دار محکم بسته شده است.⁵⁵

ملکه‌ها

لباس و پوشش ملکه‌ها، لباس بلند و چین‌دار با رودوشی به شکل پیراهن بلند و آستین‌دار بود که قسمت پایین آن با افزودن قطعه پارچه‌ای به صورت چین‌دار درآمد است. روی پیراهن مزبور شل بلندی پوشیده می‌شد. نقش تاج‌گذاری خسرو دوم در طاق بستان در کنار ایوان یا غار شاپور سوم (628 - 590م)⁵⁶ و نیز نقش بشقاب نقره، که بهرام پنجم (438 - 421م) پادشاه ساسانی را در حالی که پسر او با ملکه سپینود روی تخت بزرگی نشسته و در حال اعطای هدیه‌ای به ملکه می‌باشد نشان می‌دهد، نشان‌دهنده پوشش ملکه‌هاست.⁵⁷ ملکه پیراهن بلند و آستین‌دار پوشیده است که انتهای دامن آن چین‌دار است. روی پیراهن مزبور، پوشش پرده‌ای وسیعی قرار گرفته که روی شانه و بازوی چپ را می‌پوشاند، به‌گونه‌ای که شانه و بازوی راست را آزاد گذاشته است. این پوشش به‌صورت مورب دور بالا تنه و دور پاهای ملکه می‌پیچد و انتهایش در دست چپ و جمع می‌شد.⁵⁸

نوع دیگر لباس ملکه‌ها، بلند و چین‌دار و رودوشی کوتاه می‌باشد که می‌توان این نوع پوشش را در شکار بهرام دوم که در نزدیکی شهر کازرون و در کوه‌های دهکده‌ی «سرمشهد» یافت شده،

54. همان، ص 90.

55. آرتور کریستن‌سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشیدیاسمی، ج 9 (تهران: نشر دنیای کتاب، 1374)، ص 327 - 326.

56. همان، ص 595.

57. آرتور پوپ، *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز ناتل خانلری (بی‌جا: نگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه، 1338)، ص 53.

58. Roman Girishman, "notes iraniennes, v. scenes de bantquet sur iargentivie sassanid" Encyclopaedsa Iranica, volume v (1993), pp. 740 - 741.

دید.⁵⁹ در این نقش برجسته ملکه لباس آستین‌دار، نازک و بلندی به تن دارد که روی زمین کشیده شده است.⁶⁰ روی لباس کمربندی بسته شده و شنلی روی شانه‌های وی انداخته شده که دو انتهای آن به صورت جالبی در جلو به یکدیگر متصل شده است.⁶¹

خدمه

آخرین نمونه پوشش زنان دوره ساسانی را می‌توان در میان طبقه پایین یعنی گروه خدمه دید که این پوشش در یک نمونه پیراهن بلند و چاک‌دار خلاصه می‌شود. این نمونه شامل پیراهنی است که بلندی آن تا پایین زانوان امتداد دارد و دامن آن به صورت چاک‌دار طراحی شده است. نمونه‌ای که معرف این پیراهن باشد می‌توان به بشقاب نقره که شاهزاده‌ای را در یک مجلس بزم نشان می‌دهد، اشاره کرد. به روی این نقش، در پایین سمت راست، نقش دو زن دیده می‌شد که یکی دست‌ها را در هم حلقه زده و دیگری به حال احترام دست‌ها را روی بازوان خود گذاشته است. وسایل و ابزارهای پیرامون این زنان وجود دارد حاکی از این است که در حال طبخ غذا می‌باشند. در این نمونه زنان خدمه پیراهنی به تن دارند که یقه گرد و آستین‌دار است و بلندای آن تا پایین پا کشیده شده است. این پیراهن در جلو سه چاک دارد. حاشیه یقه، سر آستین و چاک‌های دامن نواردوزی شده است. آنان شلواری چین‌دار پوشیده‌اند و پوشش سر آن‌ها شبیه کاسکت کوتاهی است که تمام موها زیر آن پنهان شده است و دستمالی نیز از روی دهان به بالای سر برده و بسته‌اند. زمینه بشقاب با طرح‌هایی چون نقش گل و گل‌های چهار پر آراسته شده است.⁶²

نتیجه گیری

پوشش از همان آغاز زندگی خانوادگی ایرانی همراه آن‌ها بوده است و به مرور سیر تکاملی خود را طی کرد. اگر از منظر تاریخی نگریسته شود، این روند براساس اطلاعات تاریخی طی شده و به شکل امروزی درآمده است. مادها در آغاز کار خود از نظر پارچه‌بافی و پوشش از اقوامی چون

59. واندنبرگ، ص 52.

60. رومن گیرشمن، بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی، ج 2، چ 2 (بی‌جا: انتشارات سازمان فرهنگی کشور، 1378)، ص 84 - 83.

61. Roman Girishman, "Persian art, The Parthian and sassanian dynasties", Encyclopaedisa Iranica, volume v (1991), p 741.

62. حجازی، ص 199.

لولوبی، بابلی و عیلامی الهام گرفته بودند. پوشش زنان آن دوره در سه گروه اشراف (لباس بلند و چین‌دار با شال تزئینی)، نیایش‌گران (لباس کوتاه) و زنان عادی (لباس بلند و ساده) خلاصه می‌شد. در دوره هخامنشیان همین لباس با اندکی تغییرات نمودار گردید. همچنین استفاده از چادر در این دوره رواج یافته بود، برخلاف دوره ماد که از چادر استفاده نمی‌شد. در دوره اشکانیان تفکیک و تمایزی بین پوشش زنان و مردان صورت گرفت و آن‌ها چندان از سنن هخامنشی پیروی نکردند و تحت تاثیر سنن هلنیستی (یونانی) قرار گرفتند. این تاثیرگذاری بیشتر در تغییر شکل چین‌های افقی و عمودی، تاج‌ها و سربند زنان نمایان شد. اشکانیان در طرح‌های خود تنوع بیشتری به‌کار بردند و از نقوش گیاهی، جانوری، هندسی و انسانی در طرح پوشش استفاده کردند که در دوره ساسانی هم ادامه یافت. با ورود به دوره آخر تاریخی ایران باستان مشاهده می‌شود که ساسانیان نوع خاصی از پوشش را رواج دادند که کاملاً متفاوت با دوره اشکانی بود. تلاش برای بازگشت به سنن هنری عصر هخامنشی در آثار مربوط به این دوره نمود پیدا کرد. تنها تفاوت عمده‌ای که با پوشش عصر هخامنشی داشت این بود که هخامنشیان در پوشش‌های مختلف از پارچه‌های ضخیم استفاده می‌کردند اما در میان ساسانیان پارچه‌های نازکی مثل حریر کاربرد داشته و این نشان‌دهنده این بود که تاثیرگذاری هنر یونانی (هلنیستی) هنوز در دوره ساسانی هم مانده بود.

کتاب‌نامه

- بروسوس، ماریا. *زنان هخامنشی*. ترجمه هایدی مشایخ. بی‌جا: هرمس، 1381.
- بیانی، شیرین. «آناهیتا و آتوسا دو بانوی آسمانی و زمین ایران باستان». *فصلنامه هستی*. بی‌دوره. ش 8 و 9. زمستان 80 و بهار 81. ص 76-98.
- پرادا، ایدت. *هنر ایران باستان*. ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران، 1357.
- پرتوی، مسعود. «پژوهش در پوشاک باستانی ایرانیان». *نشریه همشهری*. 79/6/8.
- پوپ، آرتور. *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمه پرویز ناتل خانلری. بی‌جا: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه، 1338.
- توحیدی، س. «پوشش زنان در ایران باستان». *مجله وهومن*. دوره 6. ش 11. زمستان 1376. ص 84 - 78.
- حجازی، بنفشه. *زن به ظن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان*. ج 1. تهران: نشر شهراب، 1370.
- دیاکونوف، ا.م. *تاریخ ماد*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345.
- ذکاء، یحیی. «جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان». *مجله هنر و مردم*. دوره جدید. ش 15. دی 1342. ص 5-16.

- _____ «جامه‌های پارسیان در دوره هخامنشیان». مجله هنر و مردم. دوره جدید. ش 18. فروردین 1343. ص 19-11.
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران. ج 1. چ 4. تهران: امیرکبیر، 1355
- زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران. ج 1. تهران: انتشارات امیرکبیر، 1377.
- سامی، علی. تمدن هخامنشی. شیراز: چاپخانه موسوی، 1341.
- شهشهانی، سهیلا. تاریخچه پوشش سر در ایران. ج 1. بی‌جا: مدبر، 1374.
- شیرازی، ابوالقاسم. پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز. ج 1. بی‌جا: انتشارات اوستا فراهانی، 1382.
- ضیاءپور، جلیل. آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا دوره صفویه. بی‌جا: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، 1353.
- _____ «بررسی مدارک مربوط به پوشاک ایرانیان و رسیدگی به نوشته‌ها و نظریات شرق‌شناسان در این باره». مجله هنر و مردم. دوره جدید. ش 65. اسفند 46. ص 29-15.
- _____ پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی. بی‌جا: وزارت فرهنگ و هنر، 1347.
- _____ «گزارشی از چگونگی و چند و چونی تزئین پوشاک در زمان مادها». مجله هنر و مردم. دوره جدید. ش 67 و 68. اردیبهشت و خرداد 1347. ص 43-35.
- عبداللهی، ا. «پوشاک بارزترین نشانه فرهنگی». نشریه ایران. بی‌دوره. مرداد 81.
- کالج، مالکوم. پارتیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چ 2. بی‌جا: انتشارات سحر، 1357.
- کریستن‌سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چ 9. تهران: نشر دنیای کتاب، 1374.
- گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. ج 6. تهران: علمی و فرهنگی، 1366.
- _____ بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی. ج 2. چ 2. بی‌جا: انتشارات سازمان فرهنگی کشور، 1378.
- _____ هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. ج 2. بی‌جا: علمی و فرهنگی، 1366.
- مصطفوی کاشانی، محمدتقی. گزارشهای باستان‌شناسی. ج 3. بی‌جا: انتشارات اداره کل باستان‌شناسی، 1349.
- ملک‌زاده، فرخ. «نقوش زن در هنر هخامنشی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. س 16. ش 1 و 2. آذر 1347. ص 108-87.
- مهرین، م. «پوشاک زنان ایران». نشریه دو دنیا. بی‌دوره. ش 6. بی‌تا. ص 79-67.
- واندن برگ، لویی. باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. تهران: دانشگاه تهران، 1348.
- ویل کاکس، روت ترنر. تاریخ لباس. ترجمه شیرین بزرگمهر. چ 1. بی‌جا: توس، 1372.

ویلسون، ح. کریستی. تاریخ صنایع ایران. ترجمه عبدالله فریار. بی‌جا: فرهنگ‌سرا، 1317.
هرستفد، ارنست. ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی، 1381.

_____ تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی. ترجمه علی‌اصغر حکمت. بی‌جا: انجمن آثار
ملی، 1356.

هوتسون، م. «لباس در ایران باستان.» ترجمه شمینه پیرنظر. نشریه سخن. دوره 11. ش 5.
شهریور 1339. ص 535_511.

یاوری، حسین. «پوشاک باستانی ایرانیان.» کتاب ماه هنر. ش 17 و 18. بی‌تا. ص 11_10.
Dalton, O.M "The Trespureof theoxus" *Encyclopaedsa Iranica*,
volv.1991.

Girishman, Roman "notes iraniennes, v. "scenes de bantquet sur
iargentivie sassanid" *Encyclopaedsa Iranica* , volv, 1993.

_____. Pershian art. *The Parthian and sassanian dynasties.*
Encyclopaedsa Iranica , volv.1991.

Schmidt, E.F "perse polis" *Encyclopaedsa Iranica*, volume V, 1991.

Schoppa, H. "Die Darstteelungy der perser inder, riechischeh kunst
bis zumbe, inndeshellen simus" *Encyclopaedia Iranica* , volume v, 1991.